

انسان مسافر

شرح صد بیت از گلشن راز

نوشته: دکتر مرتضی الهی قمشه‌ای^۱

از آن گلشن گرفتم شمه‌ای باز

نهادم نام آن را گلشن راز

یکی از بزرگترین عرفا و متفکرین اسلامی بی شک شیخ محمود شبستری است. کتاب معروف او به نام گلشن راز حاوی هزار بیت عرفانی حکیمانه است و هر یک به مثل چون گوهری است درخشان که می‌توان به کمک آن خضروار در جستجوی آب حیات بود. این هزار بیت در کمال ایجاز نگاشته شده است و احتیاج به شرح دارد. شرح معروفی که از گلشن راز در دست است اثر شمس‌الدین محمد لاهیجی است که تا به حال با تصحیح‌های مختلف طبع و نشر شده، ولی متأسفانه زبان لاهیجی بسیار فلسفی و نامأنوس است و تشنگان زمان ما را سیراب نمی‌کند. علی‌الخصوص تحولات فکری عصر جدید ایجاب می‌نماید که نگاهی مجدد به گلشن راز گردد. آثار جاودانه برای هر عصری هدیه‌ای دیگر دارند و بر عهده محققین آن عصر است که جستجویی مطابق دانش و نیاز زمان خود در آن آثار به عمل آورند. در ایفای این عهد شرح جدیدی از گلشن راز به یاران و همراهان هدیه می‌شود تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

از شرح گلشن راز هدف آن نیست که از چهره راز پرده‌گشایی شود بلکه قصد آنست که راهی به خلوت‌گه راز بیابیم. زیبایی راز در آنست که راز بماند ولی این بدان معنی نیست که نمی‌شود با شاهد راز دست در آغوش شد. در این شرح کوشش بر این بوده

۱ - استاد و محقق محیط زیست در دانشگاه بریتیش کلمبیا (UBC) در کانادا.

است که با حل مشکلات لفظی و پیچیدگی‌های معنوی ابیات راه را برای ورود به آن گلشن هموار کنیم. شعر شیخ محمود در گلشن راز مثل آفتاب روشن است ولی بخاطر گرد خطاها که بر آینه ذهن و دل انسان می‌نشیند نور آن آفتاب بوضوح متجلی نمی‌شود. بنابراین هدف از شرح آنست که گرد خطا را از آینه درک خود بزدایم. بگفته ناصر خسرو:

گر بر گلیش گرد خطا بگذرد

آنجا ز شرح روشن باران کنم

در این مقاله صد بیت از هزار بیت گلشن راز که دربارهٔ موضوع مهم پیامبری و ولایت است شرح شده است، باشد که رایحه‌ای از آن گلزار را به مشام جان برساند.

مسافر چون بود رهرو کدام است

کرا گویم که او مرد تمام است

جواب سؤال مصراع اول در مصراع دوم به کنایه بیان شده چون هدف رهرو نیل به مقام انسان کامل (مرد تمام) است.

دگر گفتمی مسافر کیست در راه

کسی کو شد زاصل خویش آگاه

مسافر در نظر عموم کسی است که حرکت به جلو دارد ولی از نظر شیخ محمود این حرکت زمانی مفید است که رهرو نظری به پشت خویش (یا اصل خویش) نیز داشته باشد و بداند که سیر او به پیش فی الواقع بازگشت او به اصل است.

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌بری آخر نمایی وطنم
جان که از عالم علویست یقین می‌دانم رخت خود باز بر آنم که همانجا فکنم
(مولوی)

ندا رسید به جان‌ها که چند می‌پایید به سوی خانهٔ اصلی خویش باز آید
(مولوی)

مسافر آن بود کو بگذرد زود

زخود صافی شود چون آتش از دود

ره توشه سفر مسافر آتش اشتیاق است که مشکلات سفر را برای او آسان می‌کند. خودپرستی در این سفر مانند دود است که رهرو را از حرکت باز می‌دارد.

گفتمش بین ما و حضرت دوست بازگو از کجاست تا به کجا
گفت برداشتن ز خود قدمی گام دیگر نهاده بر دو سرا
سومین گام بر در معشوق این ره این رخانه این سر این سودا
(الهی قمشه‌ای)

سلوکش سیر کشفی دان ز امکان

سوی واجب به ترک شین و نقصان

سلوک به همان معنی سفر معنوی است. در این سفر معنوی که حرکتی است از صورت به معنی (یا از ظاهر به باطن) حرکت (سیر) یا استدلالی است یعنی از طریق تعقل (علم) صورت می‌گیرد و یا کشفی است یعنی از طریق مکاشفه (vision) یا «دیدار درونی» حاصل می‌شود. در مصراع اول شیخ محمود سیر سالک را بیشتر درونی (کشفی) می‌داند تا برونی (علمی). در این سیر شهودی (یا کشفی) مسافر از عالم امکان (که روی هم در نیستی و هم در هستی دارد) گذر می‌کند و متوجه واجب (که مرگ و نیستی در وی راه ندارد) می‌شود و این رویگردانی از امکان به واجب از طریق پالایش روح از عیب (شین) و آرایش آن به زیبایی و خوبی (ترک نقصان) است.

به عکس سیر اول در منازل

رود تا گردد او انسان کامل

مراد از سیر اول سیر نزولی یا سیر خلقت است که در آن انسان در پایین‌ترین مرتبه قرار گرفته است چون خلقتش بعد از خلق دیگر موجودات صورت گرفته. به همین خاطر در سلسله خلقت انسان در مرز عدم قرار دارد و به این مرحله به تعبیر قرآنی «اسفل السافلین» گفته می‌شود.

حال حرکت مسافر برعکس این سیر یا حرکت است یعنی از مرز عدم به سوی واجب‌الوجود (خداوند) است. این سیر را سیر صعودی می‌گویند و در این سیر انسان تا مقام انسان کامل که آینه تمام‌نمای خداوند است بالا می‌رود.

بدان اول که تا چون گشت موجود

که تا انسان کامل گشت مولود

در اطوار جمادی بود پیدا

پس از روح اضافی گشت دانا